

## تدوین اصول پذیرفته شده حسابداری به روش قیاسی - استقرائی یا قیاسی - دستوری<sup>۱</sup>

مؤثر انجام وظیفه می کند. بنابراین، وظایف حسابداری به مراتب وسیعتر از دفترداری و تهیه گزارشهای مالی پایان سال است. قبول حسابداری به عنوان عامل مؤثری در مدیریت مؤسسات، طبعاً انتظاراتی را نیز از سیستم حسابداری به همراه داشته است. انتقاداتی نیز که از اصول و روشهای متداول حسابداری، توسط اقتصاددانان و سایر عوامل گروههای مدیریت به عمل آمده و می آید، روشنگر این انتظارات روز افزون است.

اطلاعاتی که در حال حاضر، بر مبنای اصول و موازین مورد قبول حسابداری تهیه می شود، دارای محدودیتهایی است که استفاده از آن را در تصمیم گیریهای مدیریت یا عوامل دینفع در بازار و بورس محدود می سازد. جامعه حسابداری دنیا که آگاهانه همگام با پیشرفت علوم مدیریت و اقتصاد، به بررسی و تحقیق در زمینهی این محدودیتهای پرداخته است، راهحلهائی را به منظور پیشرفت حسابداری در رفع نقایص موجود پیشنهاد کرده است.

تحولات اقتصادی و صنعتی کشورهای مختلف دنیا از جمله ایران در سالهای اخیر، بررسیها و تحقیقات دامنه داری را در زمینه علوم مدیریت، اقتصاد و روابط انسانی و به خصوص حسابداری ایجاب کرده است. مدیریت جدید، همگام با سایر پیشرفتهای، امکانات تازه تری را از لحاظ تکنیکهای کمی و مدلهای ریاضی، به منظور تصمیم گیری مناسب اقتصادی در اختیار مدیران می گذارد. شرایط اقتصادی امروز، به ویژه رقابتهای سنگین بازار، جایی برای اتخاذ تصمیمات نظری یا مبتنی بر قضاوتهای فردی باقی نمی گذارد.

در مؤسسات و شرکتهای پیشرفته دارای کارآیی سطح بالا، سیستم های اطلاعات مدیریت ایجاد شده است که ارقام و اطلاعات گوناگون را به طور متمرکز نگهداری می کند و با کمک کامپیوتر در هر لحظه اطلاعات مورد نیاز را در اختیار مدیران ذینفع می گذارد. مرکز اصلی این قبیل سیستم ها، در اغلب مؤسسات، حسابداری است که به عنوان عاملی از گروه مدیریت به نحو

به روش: قیاسی - استقرائی یا قیاسی - دستوری است تا شاید بتوان از آن نیز به عنوان یکی از مآخذ مراجعه، در تدوین استانداردهای ملی حسابداری ایران استفاده کرد.<sup>۲</sup> مراحل مختلف روش مورد بحث را می توان مقدمتاً به صورت نمودگر پیوست نشان داد و سپس نسبت به تشریح مراحل آن اقدام لازم به عمل آورد.

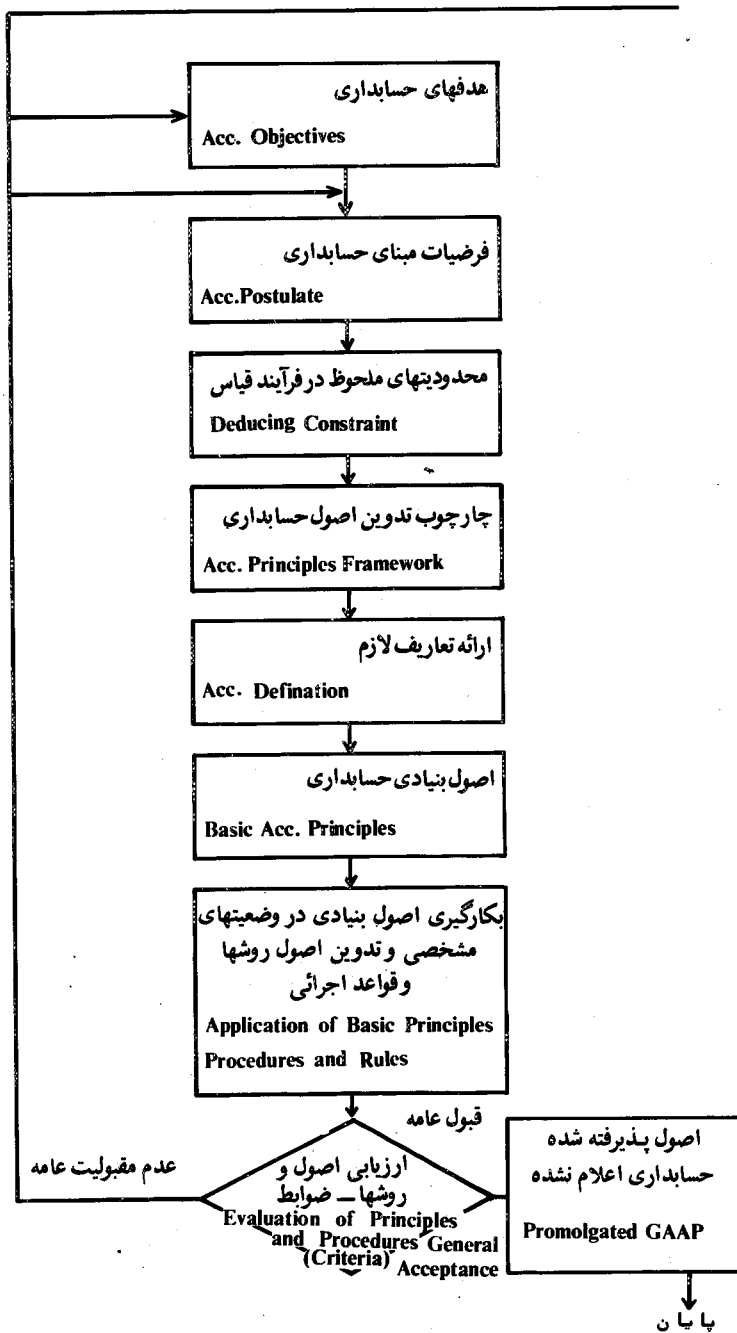
اغلب پیشنهادات ارائه شده، در زمینه تدوین یک تئوری جامع حسابداری بوده است که بتوان بر مبنای آن اصول پذیرفته شده حسابداری<sup>۱</sup> متناسب با انتظارات و نیازمندیهای امروز را استنتاج کرد. انگیزه‌ی تهیه این مقاله، ارائه یک چارچوب علمی برای تدوین اصول پذیرفته شده حسابداری

1- Generally Accepted Accounting principles (GAAP)

۲ - براساس قانون تأسیس سازمان حسابداری، مصوب سال ۱۳۶۶، مسئولیت تدوین استانداردهای ملی حسابداری به عهده سازمان مذکور محول شده است.

نمودگر تدوین اصول پذیرفته شده حسابداری به روش قیاسی - استقرائی -  
یا قیاسی - دستوری

Deductive - Inductive or, Normative - Deductive Approach to GAAP



### هدفهای حسابداری:

بحث پیرامون هدفهای حسابداری را معمولاً میتوان با توجه به سه طبقه مجزای تئوری حسابداری انجام داد:

۱ - تئوریهایی که برای تشریح روشهای اجرایی فعلی حسابداری کوشش می کنند. این تئوریها با ساختار فرآیند گردآوری ارقام و اطلاعات و همچنین گزارشگری مالی در ارتباط است<sup>۱</sup>. خلاصه هدفهای حسابداری مرتبط با این طبقه تئوری، شامل گزارش و ارائه اطلاعات قابل اتکاء در باره رویدادهای مالی واحدهای تجاری به شرح زیر است:

الف - دارائیهها، بدهیها و حقوق صاحبان سرمایه در پایان دوره مالی، و...

ب - سود یا زیان دوره مالی پس از کسر اقسام بهای تمام شده و هزینهها از درآمدهای فروش.

۲ - تئوریهایی که بر ارتباط بین رویدادهای مالی و اصطلاحات و علائم مبین آن تأکید می کند<sup>۲</sup>. خلاصه هدفهای حسابداری در ارتباط با این طبقه تئوری به شرح زیر است:

الف - اندازه گیری منابع اقتصادی زیر کنترل واحد تجاری.

ب - انعکاس ادعاها و حقوق اشخاص حقیقی و حقوقی در منابع مزبور.

ج - اندازه گیری تغییرات در منابع، ادعاها و حقوق مذکور در بالا.

د - تخصیص تغییرات مزبوره دوره های مالی مشخص.

ه - بیان موارد مشروح در بالا برحسب واحد اندازه گیری پول، به عنوان یک واحد مشترک.

۳ - تئوریهایی که بر مطالعه آثار صورتهای مالی حسابداری بر تصمیم گیری های استفاده کنندگان آن اشاره دارد.<sup>۳</sup> هدفهای حسابداری مرتبط با این طبقه تئوری باید شامل تأمین اطلاعات مورد نیاز گروههای ذینفع خارج از واحد تجاری، که مستقیماً اختیار در خواست اطلاعات مشخص مورد نیاز خود را ندارند، باشد. بنابراین، اطلاعات حسابداری باید برای اشخاص و گروههایی که اطلاعات کلی از فعالیت های تجاری و اقتصادی دارند و در عین حال مایلند از اطلاعات گزارش شده ی حسابداری نیز در تصمیم گیری های خود استفاده کنند، مفید باشد. این تصمیمات شامل موارد زیر است:

الف - تصمیمات سرمایه گذاری در اوراق بهادار واحد تجاری.

ب - تصمیمات مرتبط با ارزیابی کارآئی و اثربخشی مدیریت.

ج - تصمیمات ارزیابی توان واریز بدهیها.

د - تصمیمات ارزیابی نحوه تخصیص منابع واحد تجاری.

### فرضیات مبنای حسابداری:

فرضیاتی که به عنوان مطالب بدهی و آشکار در فرآیند قیاس مورد استناد قرار می گیرند معمولاً به دو گروه اصلی تحت عنوان **فرضیات مبنای** و **فرضیات محیطی حسابداری** طبقه بندی می شود.<sup>۵</sup>

1- Syntactical theories 2- Semantical theories  
5- Environmental postulates

3- Behavioral theories

4- Fundamental postulates

### فرضیات مبنا:

این فرضیات زیربنائی شامل پیشنهادهایی است که بر مبنای محیط اقتصادی، سیاسی و اجتماعی پیرامون حسابداری ارائه می شود. ضوابط اساسی حاکم بر این فرضیات عبارتند از:

- ۱ - فرضیات باید از لحاظ فرآیند استدلال منطقی قیاس و استنتاج اصول و روشهای حسابداری مربوط محسوب شود، و
- ۲ - فرضیات مبنا باید توسط جامعه حسابداری مورد قبول و پذیرش قرار گیرد، یعنی یا صحیح تلقی شود یا به عنوان یک نقطه شروع بحث منطقی مفید باشد.

### فرضیات محیطی حسابداری:

فرضیات محیطی معمولاً به دو گروه اصلی تحت عنوان فرضیات مرتبط با واحد حسابداری و فرضیات مرتبط با فرآیند اندازه گیری<sup>۲</sup> طبقه بندی می شود.

- ۱ - فرضیات مرتبط با واحد حسابداری گزارشگر عبارتند از:
  - الف - واحد حسابداری گزارشگر<sup>۳</sup>
  - ب - تداوم عملیات<sup>۴</sup>
  - ج - دوره مالی<sup>۵</sup>
- ۲ - فرضیات مرتبط با فرآیند اندازه گیری عبارتند از:

الف - مقداری کردن اطلاعات<sup>۶</sup>

ب - مبادله کالاها و خدمات در بازار<sup>۷</sup>

ج - واحد اندازه گیری پول<sup>۸</sup>

د - قیمت‌های بازار که عملاً در مبادلات تحقق می یابد<sup>۹</sup>.

ه - واحد اندازه گیری ثابت<sup>۱۰</sup>.

### محدودیت‌های ملحوظ در فرآیند قیاس:

اگرچه تدوین و تعیین هدفهای حسابداری و فرضیات مبنا به تنهایی نیز می تواند زیربنائی برای استدلال و استنتاج منطقی اصول حسابداری محسوب شود اما دو گروه اصلی محدودیتها در ارتباط با استفاده کنندگان از صورتهای مالی و فرآیند اندازه گیری وجود دارد که باید در استنتاج اصول حسابداری مورد توجه قرار گیرد.

### محدودیت‌های استفاده کنندگان<sup>۱۱</sup>

چنانچه محدودیت‌های مشروح زیر در فرآیند قیاس و استنتاج اصول حسابداری ملحوظ نشود، امکان دارد اصول مزبور به آسانی توسط جامعه حسابداری پذیرفته نشود یا نیازمندیهای استفاده کنندگان را تأمین نکند. محدودیت‌هایی را که میتوان در ارتباط با استفاده کنندگان صورتهای مالی بیان کرد به شرح زیر است:

- ۱ - اهمیت<sup>۱۲</sup> - این محدودیت که از برخی جهات مشابه مفهوم مربوط بودن<sup>۱۳</sup> است تعیین

1- Accounting entity 2- Measurement process 3- Reporting Entity 4- Going-Concern, Continuity  
5- Time period 6- Quantification 7- Exchange Economy  
8- Money Measurement 9- Realized Market prices 10- Stable unit of Measurement  
11- Constraints 12- Materiality 13- Relevance

توجه قرار گیرد.

۲ - عینیت<sup>۶</sup> - در اندازه گیریهای حسابداری همواره محدودیت عینی بودن ارقام و اطلاعات مورد تأکید قرار می گیرد. به عبارت دیگر، کوشش می شود که اطلاعات عینی و مستند که قابل رسیدگی نیز باشند مورد استفاده واقع شوند.

۳ - منصفانه بودن<sup>۷</sup> - نظر به اینکه گروههای متنوعی با نقاط نظر وانگیزه های متفاوت از صورتهای مالی بهره برداری می کنند، لازم است که اطلاعات گزارش شده، منافع گروههای مختلف را در نظر داشته و نسبت به آنان بی طرف باشد.

۴ - محدودیتهای واحد پول<sup>۸</sup> - واحد پول که به عنوان واحد اندازه گیری مشترک مورد استفاده قرار می گیرد، در طول زمان ارزش ثابتی ندارد. به عبارت دیگر، با افزایش سطح قیمتها، قدرت خرید واحد پول کاهش می یابد. این محدودیت باید به نحوی در اندازه گیریهای حسابداری مورد توجه قرار گیرد.

۵ - محافظه کاری<sup>۹</sup> - در اندازه گیریهای حسابداری با توجه به کلیه محدودیتهای مشروح بالا، مفهوم محافظه کاری نیز به عنوان یک محدودیت اندازه گیری بررسی میشود. معنای محافظه کاری در اندازه گیریهای حسابداری این است که تحقق در آمد تا تحصیل شواهد و دلایل قابل استناد کافی به تعویق افتد اما، شناخت

می کند که چه نوع اطلاعاتی باید در صورتهای مالی افشاء شود<sup>۱</sup> و ناتوانی استفاده کنندگان صورتهای مالی را در بهره برداری از مقادیر زیاد اطلاعات و همچنین نحوه ی ارائه مفید آن را مورد تأکید قرار میدهد.

۲ - ثبات رویه<sup>۲</sup> - این محدودیت موجب می شود که روشهای حسابداری بکار گرفته شده در یک دوره مالی، به نحوی یکنواخت در دوره های مالی آتی نیز ادامه یابد و در صورت تغییر روشها، دلایل انجام تغییر و آثار آن بر صورتهای مالی افشاء شود.

۳ - به موقع بودن<sup>۳</sup> - به موجب این محدودیت، تهیه کنندگان صورتهای مالی باید اطلاعات مورد نیاز استفاده کنندگان را به موقع تهیه و در اختیار آنان قرار دهند.

### محدودیتهای اندازه گیری<sup>۴</sup>:

در تدوین اصول و روشهای حسابداری مرتبط با فرآیند اندازه گیری (ارزشیابی دارائیهها یا اندازه گیری سود)، باید محدودیتهای مشروح زیر ملحوظ شود:

۱ - ابهام<sup>۵</sup> - نظر به اینکه در اندازه گیریهای حسابداری تا حدودی امر پیش بینی آینده مطرح است و همواره میزانی از ابهام در مورد آن وجود دارد، لازم است که ابهام و همچنین موقتی بودن ارقام گزارش شده در صورتهای مالی به عنوان یک محدودیت مورد

1- Disclosure 2- Consistency 3- Timelines 4- Measurement constraints 5- Uncertainly -Tentativeness

6- Objectivity- Verifiability 7- Fairness- Freedom of bias 8- Limitation of the Monetary unit

9- Conservatism

هزینه‌ها به محض محتمل شدن آن انجام شود.

دارائیها = بدهیها + حقوق صاحبان سرمایه  
این، معادله اساسی حسابداری است و کلیه  
روشهای حسابداری از آن نتیجه می‌شود.

### چارچوب تدوین اصول حسابداری:

چارچوب تدوین اصول حسابداری<sup>۱</sup> را می‌توان براساس مشخصاتی که از هدفهای حسابداری، فرضیات مبنا و محدودیتهای مربوط استنتاج شده است به شرح زیر توصیف کرد:

### حسابداری دو طرفه<sup>۲</sup>:

سیستم حسابداری طوری طرح‌ریزی شده است که برای هر یک از رویدادهای مالی، دو جنبه ثبت شود. این جنبه‌ها عبارتند از: تغییر در دارائیها و تغییر در بدهیها و حقوق صاحبان سرمایه. هر رویدادی که در حسابها منعکس شود، حداقل بر دو حساب اثر می‌گذارد و موردی متصور نیست که یک رویداد، تنها بر یک حساب اثر بگذارد.

### معادله حسابداری<sup>۳</sup>:

منابع اقتصادی یک شخصیت حسابداری، دارائیهای آن محسوب می‌شود. حقوق و علایق گروههای مختلف نسبت به این دارائیها، بدهیها و حقوق صاحبان سرمایه نامیده می‌شود. نظر به این که کلیه دارائیهای یک واحد تجاری در مقابل علایق اشخاص یا گروههای مختلف قرار دارد (اعم از طلبکاران یا صاحبان سرمایه) و جمع این علایق نمی‌تواند از مبالغ دارائیهای مورد نظر تجاوز کند، بنابراین نتیجه میشود:

### صورت‌های مالی اساسی<sup>۴</sup>:

صورت‌های مالی اساسی عبارتند از ترازنامه، صورت حساب سود و زیان و صورت تغییرات در وضعیت مالی. هر شخصیت حسابداری موظف است که در پایان دوره مالی صورت‌های مالی مزبور را تهیه و ارائه کند.

### تعاریف حسابداری:

قبل از اینکه بتوان در مورد تدوین اصول پذیرفته شده حسابداری اقدامی به عمل آورد، لازم است مفاهیم مشترکی برای همه دست اندرکاران حسابداری و استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی ایجاد شود. این مفاهیم مشترک را اصطلاحاً تعاریف حسابداری<sup>۵</sup> می‌نامند. نمونه‌هایی از این تعاریف عبارتند از دارائیهای جاری، وجوه نقد، حسابهای دریافتی، سرمایه‌گذاری کوتاه مدت و اوراق بهادار، موجودیها، اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات، سرمایه‌گذاریهای بلند مدت، دارائی‌های نامشهود، حسابهای پرداختی و امثالهم.

### اصول بنیادی حسابداری:

اصول بنیادی<sup>۶</sup> یا اصول زیربنائی حسابداری که مبنای استنتاج سایر اصول و روشهای

1- Accounting Principles framework 2- Dual aspect of accounting 3- Accounting Equation

4- Basic Financial statements 5- Accounting definitions 6- Basic accounting principles

### اصل تطابق هزینه با درآمد:

فروش کالاها یا خدمات دارای دو جنبه است:

۱ - جنبه درآمد فروش که معرف افزایش حقوق صاحبان سرمایه به ازای درآمد تحقق یافته می باشد.

۲ - جنبه هزینه که معرف کاهش حقوق صاحبان سرمایه است. اندازه گیری صحیح اثر خالص این دو جنبه فروش بر حقوق صاحبان سرمایه ایجاب می کند که هر دو جنبه در دوره مالی انجام فروش شناسائی گردد. این شناخت معرف مفهوم تطابق هزینه با درآمد است.

### بکارگیری اصول بنیادی حسابداری در وضعیتهای مشخص و تدوین اصول، روشها و قواعد اجرائی

پس از تدوین و تعیین هدفها، فرضیات مبنا، محدودیتهائی که باید در فرآیند قیاس مورد توجه قرار گیرد، چارچوب اصول حسابداری، تعاریف مورد نیاز و اصول بنیادی حسابداری میتوان مجموعه اصول، روشها و قواعد اجرائی حسابداری را استنتاج کرد. این مجموعه معمولاً با اصطلاح «اصول پذیرفته شده و حسابداری<sup>۴</sup>» مورد اشاره قرار می گیرد. کلمه اصول در این جا به معنای یک قانون یا قاعده کلی است که توسط حرفه حسابداری به عنوان راهنمای عملیات روزمره پذیرفته شده است. با توجه به تعریفی که از کلمه اصول ارائه شد می توان استنباط کرد که اصول

حسابداری قرار می گیرد، عبارتند از اصل بهای تمام شده<sup>۱</sup>، اصل تحقق درآمد<sup>۲</sup> و اصل تطابق هزینه با درآمد<sup>۳</sup>.

### اصل بهای تمام شده:

منابع اقتصادی یک شخصیت حسابداری، دارائیهای آن نامیده می شود. یک مفهوم بنیادی حسابداری که ارتباط بسیار نزدیک با مفهوم تداوم فعالیت دارد این است که هنگام تسهیل یک دارائی، مبلغ پرداختی برای آن معرف بهای تمام شده است و در حسابها ثبت می گردد. این بهای تمام شده، مبنای کلیه اعمال بعدی حسابداری قرار می گیرد. برای تأکید موضوع، گاهی اصطلاح «بهای تمام شده تاریخی» نیز به قیمت‌های مبادله مذکور در بالا اطلاق می شود.

### اصل تحقق درآمد:

تحقق درآمد، به جریان وجوه نقد یا ادعا بر وجوه نقد (مانند حسابهای دریافتی) که از فروش کالاها یا خدمات حاصل میشود، اشاره دارد. مفهوم تحقق درآمد مبین این است که:

- ۱ - درآمدهای فروش معمولاً در دوره ای که کالاها تحویل مشتریان می شود یا خدمات انجام می پذیرد، شناسائی می گردد و
- ۲ - مبلغی که به عنوان درآمد فروش شناسائی می شود عبارت است از مبلغی که تحقق آن به گونه ای معقول محرز می باشد.



از انجمن حسابداران خبره آمریکا<sup>۲</sup>، هیئت استانداردهای حسابداری مالی<sup>۳</sup>، کمیته بین‌المللی استانداردهای حسابداری<sup>۴</sup>، انجمن حسابداران خبره انگلستان و ویلز<sup>۵</sup> و انجمن حسابداران خبره کانادا<sup>۶</sup>.

در جمهوری اسلامی ایران، براساس قانون تأسیس سازمان حسابرسی که در تاریخ شهریورماه ۱۳۶۶ به تصویب مراجع قانونگذاری رسیده و به موقع اجرا گذاشته شده، مسئولیت تدوین استانداردهای حسابداری کشور به عهده سازمان مزبور (کمیته تدوین استانداردها) محول گردیده است.

### ارزیابی اصول و روشهای حسابداری:

اصول پذیرفته شده حسابداری توسط انسان تدوین شده است. برخلاف اصول علوم طبیعی نظیر فیزیک یا شیمی، اعتبار اصول حسابداری از طریق تحقیقات مشاهده‌ای یا تجربی به تأیید یا اثبات نرسیده است. بلکه اصول حسابداری طی سالیان طولانی و حتی چند قرن بتدریج تکامل یافته است. این فرآیند تکامل به طور مداوم ادامه دارد و به زبانی دیگر، اصول حسابداری را نمی‌توان حقایقی جاودانی تلقی کرد.

پذیرش عمومی اصول حسابداری معمولاً به احراز سه ضابطه:

۱ - مربوط بودن<sup>۷</sup>

۲ - عینی بودن<sup>۸</sup>

حسابداری نحوه‌ی ثبت رویدادهای واقع شده در یک سازمان را به طور مشخص و دقیق توصیه نمی‌کند. در نتیجه، عملیات حسابداری در ارتباط با موضوعهای مختلف می‌تواند در سازمانها یا واحدهای تجاری گوناگون متفاوت باشد. این تنوع روشها تا حدی قابل قبول است زیرا تدوین یک مجموعه مشروح قواعد که به تنهایی بتواند در کلیه سازمانها و واحدهای تجاری بکار گرفته شود دور از ذهن می‌باشد. تفاوت در نحوه عمل حسابداران، انعکاس این واقعیت است که در چارچوب اصول پذیرفته شده حسابداری نیز می‌توان تا حدی انعطاف داشت و بهترین روش مناسب برای ثبت رویدادهای مالی را انتخاب و اجرا کرد.

استفاده کنندگان صورتهای مالی باید موارد مذکور در بالا را مورد توجه قرار دهند و آگاه باشند که درک مفاهیم اقلام و اطلاعات منعکس در صورتهای مالی منوط به دانستن روش یا روشهایی است که توسط تهیه کنندگان صورتهای مالی (از بین روشهای مجاز مبتنی بر اصول پذیرفته شده حسابداری) بکار گرفته شده است.

اصول، روشها و قواعد اجرائی حسابداری تحت عنوان کلی «اصول پذیرفته شده حسابداری»، توسط مجامع حرفه‌ای حسابداری کشورهای مختلف جهان و همچنین فدراسیون بین‌المللی حسابداران<sup>۱</sup> تدوین و منتشر شده است. مشهورترین مجامع حرفه‌ای مزبور عبارتند

1- International Federation of Accountants 2- AICPA 3- FASB 4- IASC 5- ICAEW 6- CICA

7- Relevance 8- Objectivity

۳ - عملی بودن<sup>۱</sup>

در مورد اطلاعات منتج از بکارگیری آن بستگی دارد.

ضابطه‌ی مربوط بودن در صورتی احراز می‌شود که بکارگیری اصول، منتج به گزارش اطلاعاتی گردد که برای تصمیم‌گیریهای استفاده‌کنندگان آن مفید باشد. احراز ضابطه‌ی عینی بودن منوط به این است که اطلاعات مبتنی بر اصول، تحت تأثیر انگیزه‌ها، قضاوتها، اعمال نظرهای تهیه‌کنندگان آن قرار نگیرد. به عبارت دیگر، عینی بودن اطلاعات، مفاهیم قابلیت اعتماد و قابلیت اتکاء بر آن را القاء می‌کند. ضمناً اطلاعات حاصل از بکارگیری اصول حسابداری باید قابل رسیدگی و تأیید توسط اشخاص مستقل باشد. اصول حسابداری را در صورتی می‌توان عملی محسوب کرد که بکارگیری آن مستلزم صرف هزینه‌ی زیاد یا مواجهه

با پیچیدگیها و دشواریها، زیاد نباشد.

در برخی موارد، سه ضابطه مذکور در بالا می‌توانند با یکدیگر در تعارض باشند. مثلاً، مربوط‌ترین اطلاعات معمولاً از عینیت کمتری برخوردار است و عملی بودن آن با مشکلاتی مواجه می‌باشد. بنابر این، دست‌اندرکاران تدوین اصول و روشهای حسابداری ناگزیر از ایجاد تعادلی معقول بین ضابطه‌ی مربوط بودن از یک سو و ضوابط عینی و عملی بودن از سوی دیگر می‌باشند. عدم توفیق در برقراری این تعادل موجب خواهد شد که پذیرفته شدن اصول تدوین یافته دچار مشکل شود.

مثلاً کوشش در افزایش مربوط بودن اطلاعات منتج از اصول حسابداری، موجب از دست رفتن عینیت اطلاعات و تضعیف عملی بودن بکارگیری اصول مزبور خواهد شد.

«فهرست منابع و ماخذ»

منابع فارسی

- ۱ - شباهنگ - رضا، تئوری حسابداری، چاپ دوم سال ۱۳۶۳ - تهران  
کتابخانه فروردین.
- ۲ - شباهنگ - رضا، حسابداری مالی، جلد اول، سال ۱۳۶۶ - تهران مرکز  
تحقیقات حسابداری - سازمان حسابرسی.
- ۳ - شباهنگ، رضا، حسابداری مالی، جلد دوم، سال ۱۳۶۸ - تهران مرکز.  
تحقیقات حسابداری - سازمان حسابرسی

منابع خارجی

1. Anthony and Reece, Accounting Text and cases, 7 thed.,  
(Richard D. Irwin, Homewood, Ill, 1983)
2. Cooper, W.W., and y. Ijiri (eds)., kohler,s Dictionary for  
Accountants (Prentice Hall, *Englewood* Cliffs, N.J.,  
1983)
3. Hendricksen, E.S., Accounting theory, (Richard D.  
Irwin, Homewood, Ill, 1965).
4. Matulich S. and Heitger, L.E., Financial Accounting,  
(Mc. Graw - Hill Book Company, 1985).
5. Miller, M. A, Comprehensive GAAP Guide, (Harcourt  
Brace Jovanovich, New York, 1984).